

«شرق - غرب» و «شمال - جنوب» در داخل کشور، هم‌اکنون به مهم‌ترین چالش در مشارکت مؤثر ایران در ابتکار یک جاده - یک کمربند تبدیل شده است. حال که دولت سیزدهم سیاست همسایگی و نیز سیاست نگاه به شرق را با جدیت در دستور کار قرار داده است، تأکید بر اجرایی کردن سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، ضمن بازخوانی سند ذیل الزامات مشارکت فعال ایران در پروژه راه ابریشم نوین، باید با جدیت دنبال شود. ظرفیت سند همکاری ۲۵ ساله، باید به کار جبران کاستی‌های موجود از جمله تکمیل کریدورها و به‌ویژه تکمیل و گسترش خطوط ریلی بپردازد.

با توجه به مانع‌تراشی‌های غرب در مسیر کامیابی راه ابریشم نوین و به‌خصوص ایجاد مداخلات و مزاحمت در دسترسی‌های مورد نیاز دریایی برای این طرح، پیش‌بینی می‌شود که در عملیاتی‌سازی پروژه، تمرکز چینی‌ها بر راه‌های خشکی (تمرکز بر کمربند و نه جاده) خواهد بود و بدون شک موقعیت جغرافیایی ایران در میانه کریدورهای خشکی، می‌تواند فرصت مغتنمی برای هر دو طرف (ایران و چین) باشد. البته نباید از نظر دور داشت که نه دوستان ما و نه رقبای هرگز برای عملیاتی‌سازی برنامه‌هایشان منتظر ما نمی‌مانند و در صورت نبود کنشگری فعال و هوشمندانه ایران و عدم عرضه توانمندی‌ها و فرصت‌های عملیاتی و در دسترس، مسیرهای جایگزین در دستور کار قرار می‌گیرد.

بر این اساس، اولویت‌های حکمرانی سیاست خارجی و حوزه بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران باید پیوستن به کریدورهای بین‌المللی و بسیج تمام امکانات ملی و فراملی به منظور تأمین زیرساخت‌ها و رفع نواقص و خلأهای موجود باشد. هم‌اکنون برخی رقبای منطقه‌ای (از جمله ترکیه) در شمال و جنوب به سرعت در حال اجرای طرح‌های زیرساختی‌اند که نتیجه عملیاتی آن، دور زدن، حذف ایران و دور کردن کشورمان از پروژه‌های مواصلاتی و ارتباطی بین‌المللی، به رغم مزیت‌های بالقوه‌ای است که ایران برای محور شدن در همه طرح‌های ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله طرح راه ابریشم نوین داراست. از سوی دیگر، اموری نظیر پیگیری و تسریع پیوستن [نهایی] ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای، فعال کردن روند عضویت رسمی و کامل در اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU)، و درخواست پیوستن به پیمان بریکس (شامل قدرت‌های نوظهور اقتصادی نظیر چین، هند، روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی) در کنار فعال‌سازی اقتصاد دریامحور و طرح‌های حضور در اقیانوس‌ها از اقدامات و دستورکارهای هوشمندانه‌ای است که اگر در یک نگرش کلان و فرابخشی، ذیل تقویت «دیپلماسی ترانزیت» تعریف شود، ضمن تقویت اقتصاد ملی، ابعاد سیاسی و امنیتی گسترده‌تری نیز برای تقویت و تحکیم قدرت منطقه‌ای و جهانی ایران به دنبال خواهد داشت. ▶

هم‌اکنون برخی رقبای منطقه‌ای (از جمله ترکیه) در شمال و جنوب به سرعت در حال اجرای طرح‌های زیرساختی‌اند که نتیجه عملیاتی آن، دور زدن، حذف ایران و دور کردن کشورمان از پروژه‌های مواصلاتی و ارتباطی بین‌المللی، به رغم مزیت‌های بالقوه‌ای است که ایران برای محور شدن در همه طرح‌های ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله طرح راه ابریشم نوین داراست.